

مطمئناً ونگ به شما یادآوری خواهد کرد. نقطه اوج فیلم درگیری تن به تن است، اما نمایش اغراق آمیزی مانند سینه خیز رفتن مت دیلن در خیابان‌ها در پایان فیلم *The Outsiders* دارد. **دو چرخه یکنی** فیلمی دوساعته است. بعد از پایان فیلم، از یک تماشاگر پرسیده شد: «دو ساعت؟ انگار سه ساعت نبود؟» پاسخ: «انگار شش ساعت بود.» □

هیچ‌کدام حاضر نیستند حتی یک قدم پس بکشند. ونگ با بیرون نگه داشتن ما از محل درگیری، حساسیت مهم نورئالیستی را در فیلم می‌دمد. اما این مسأله نیز آن قدر کافی نیست که باعث غرور دسیکا شود. در سرتاسر فیلم بیشتر تکرار هست تا خلاقیت، و اگر شما مطمئن نیستید که آیا باید برای دو پسر احساس همدردی بکنید یا نه،

گستره فیلم هم مدام کوچک‌تر می‌شود. امتیاز بزرگ کار ونگ در این فیلم سبک کارگردانی او است؛ او نشان می‌دهد نگاه تیزبینی برای تغییر زاویه دید دارد، و همین‌طور روشی هیجان‌انگیز، آرام و چشم‌چرانه Voyeuristic. این سبک خاص آن‌گاه به‌اوج تأثیرگذاری خود می‌رسد که جیان و گیوئی در یک آسمان‌خراش خلوت با هم رودررو می‌شوند و

## ترجمه فرشید عطایی

است. «نمی‌شود فیلم را در نیویورک بسازیم؟ شب جمعه مهمانی شام دارم - می‌توانم بروم؟»  
**چرا اخیراً در Evolution بازی کردی؟ فیلمی کمدی که با بقیه کارهای تو متفاوت است.**  
چون خیلی راحت بود. آن فیلم هیچ‌وقت مضمون و محتوایی نداشت! یک کمدی فیزیکی بود و من هم با خودم گفتم: «چرا بازی نکنم؟» وقتی می‌افتادم برایم خیلی جالب بود. آدم با بازی در این فیلم انگار به آموزشگاه بازیگری هم می‌رفت. برای همه ما هنرپیشه‌ها افتادن امری جدی است. آدم باید بدن‌اش را رها کند. یک بار سر صحنه افتادم و هیچ آسیبی هم ندیدم. مثل یک گونی سیب‌زمینی افتادم. □

نمی‌توانستیم برویم بیرون. می‌گفت: «مامان، من سردم است» دوست نداشتیم تمام روز را در یک مکان بسته بماند و تلویزیون تماشا کند. واقعاً سخت بود. سه هفته آخر کار را رفت خانه. او که رفت من واقعاً احساس تنهایی کردم. پسر رفتن بود پیش پدرش.  
**به نظر تو آیا تنهاییات بر اجرای نقشات تأثیر داشت؟**  
به نظر من تنهایی همیشه بد است. آن اوایل که بازیگری را شروع کرده بودم با خودم فکر می‌کردم: «عالی است! داریم می‌رویم به Timbukta و دور هم خواهیم بود!» اما آدم هر چه بیشتر فیلم بازی می‌کند بیشتر می‌خواهد که در کنار خانواده‌اش باشد. به نظر من این بخش ناخوشایند بزرگ شدن

## گفت‌وگو با جولیان مور بازیگر فیلم «اخبار دریافتی»

کار بلاسه هالسترام کارگردان چگونه بود؟  
او با بازیگران عالی کار می‌کند. او آدمی بااعتماد بنفس، و بی‌نهایت مثبت است.  
**در مورد نقش خودت در «اخبار دریافتی» بگو.**  
من نقش مادر پسر بچه‌یی را که دچار آسیب مغزی است بازی می‌کنم، و در ادامه به کیوبن اسپسی علاقه‌مند می‌شود. کیوبن عالی است.  
**تو در نیوفوندلند فیلم را به پایان رساندی. آیا خانواده‌ات هم با تو به مکان فیلمبرداری آمده بود؟**  
تا یک قسمت‌هایی از فیلم بله، اما بعد پسر مرا فرستادم خانه چون آن‌جا خیلی پرت و سرد بود،

مشخصات او است، فیلمی است که روی ساختار و مضمون آن تمرکز شده است و کارگردان در میان آثارش این فیلم را با بیشترین اعتمادبه‌نفس ساخته است. اگر این فیلم به دست شخصی ناوارد ساخته می‌شد این امکان وجود داشت که به ملودرامی پرسوز و گذار و آشکارا عاطفی تبدیل شود، اما فیلمبرداری ظریف و بی‌دنگ‌وفنگ فیلم و همچنین بازی‌های ظریف و زیرپوستی بازیگرانی که به‌طور کاملاً درست انتخاب شده‌اند، این فیلم را جذاب‌تر می‌کند: درامی بی‌پرده و روان - پلایستی Cathartic در مورد یافتن شکننده زندگی بشر.  
لحن این فیلم به شدت مال‌بخولیایی است اما هرگز پراه و ناله و ترحم جویانه نمی‌شود، مورتی و همکاران نویسنده‌اش، لیندا فری و هیدان شلیف جریانات فیلم را آکنده از تواضع و انسانیت می‌کنند. آن‌ها اثر برتری را ارائه کرده‌اند که گواه دیگری است بر غنای کنونی سینمای اروپا. □

طبق معمول، مورتی باز هم در مقابل دوربین ظاهر می‌شود، و نقش جیووانی، روان‌کاو خرسند را بازی می‌کند که همسرش پائولا (مورانته) و دو فرزند نوجوانش آیرین (ترینکا) و آندره (سان‌فلیس) او را بسیار دوست دارند.

جیووانی که مطب محل کارش در مجاورت آپارتمانش قرار دارد، روزش را با گوش دادن به هراس‌ها و ناراحتی‌های روانی بیماران ناآرام و بحران‌زده خود سرمی‌کند. در حالی که خود در درون زندگی آرام و بی‌دغدغه‌یی دارد. وقتی که یک تعهد حرفه‌یی او را مجبور می‌کند که یک فعالیت پدری را قربانی کند، این آرامش او برای همیشه نابود می‌شود. آندره تصمیم می‌گیرد با دوستانش برود شنا کند و متأسفانه هرگز باز نمی‌گردد. **اتاق پسر مورتی** - برنده‌یی محبوب در گن ۲۰۰۱ - ساخته فیلمسازی که تغییر جهت دادن از

## اتاق پسر The Son's Room

نویسنده جیسون وود

بعد از جذابیت سهل‌الوصول دو فیلم «دفتر خاطرات عزیز» و «آوریل»، نانی مورتی، استاد ایتالیایی با تغییر جهتی متهورانه و ناگهانی و تحسین برانگیز، **اتاق پسر** را ساخت که نگاهی تکان‌دهنده و در بعضی موارد دردناک به عشق و فقدان دارد؛ این فیلم به واسطه تعمق خود کارگردان در مورد مسأله مرگ در پی تشخیص سرطان (خوشبختانه خوش‌خیم) در وجود خودش، با سرعت بیشتری ساخته شد.